

معرفی و کاربست روش «الگوپردازی بنیادین» در مطالعات سبک زندگی اسلامی

حمیدرضا حاجی بابایی*
زهراء رضازاده عسگری**
مهتاب عیدی***

چکیده

برای ارائه مدل‌های روزآمد سبک زندگی اسلامی، به رویکردهای پژوهشی مسئله محور و اکتشافی نیازمندیم؛ چراکه روش‌های سنتی مطالعه‌های اسلامی به تنها یی توان پاسخگویی به این نیاز را ندارند. در مقاله پیش‌رو، با رویکردی تحلیلی- صیغی، به معرفی روشی میان‌رشته‌ای، به منظور به کارگیری در الگوپردازی سبک زندگی اسلامی پرداخته شده است. روش پایه در این پژوهش، روش کیفی نوینی است که با روش‌های سنتی مطالعات اسلامی به صورت متوالی ترکیب می‌شود. برپایه این راهبرد، پژوهشگر در مرحله نخست، با استفاده از روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد، که رویکردی توصیفی و منطقی استقرایی دارد، به کشف و ترسیم الگوی سبک زندگی موجود در قالب پدیده اجتماعی مدنظر، از میدان پدیده می‌پردازد. در مرحله بعد، روح سبک زندگی اسلامی از منابع معتبر دینی و نیز یافته‌های یقینی تجربی، برابر با الگوی واقعی به دست آمده، استخراج می‌شود. سپس، پژوهشگر با حرکتی بازگشتی، روح استخراج شده را در قالب الگوی سبک زندگی موجود می‌داند و درنهایت، الگویی روزآمد از سبک زندگی اسلامی پدیده منظور ارائه می‌دهد. مسئله محوری و مراجعه پرسشگرانه به دین براساس نیازهای واقعی، از برتری‌های روش پیشنهادی است. مهم‌ترین وجه نوآوری این روش برخورداری هم‌زمان از داده‌های میدانی و داده‌های استنادی اسلامی و ایجاد ارتباط بین «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» است.

وازگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، الگوپردازی سبک زندگی اسلامی، روش‌شناسی مطالعات سبک زندگی اسلامی، روش الگوپردازی بنیادین در مطالعات سبک زندگی اسلامی.

* دانشیار مدرسی معارف، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
hajibabaei@ut.ac.ir

** استادیار مدرسی معارف، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
zasgari@ut.ac.ir

*** دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
m.eidy@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

مقدمه

سبک زندگی با رویکرد اسلامی دانشی نوپاست. جهان غرب بیش از یک قرن است که مطالعات سبک زندگی را با رویکردهای گوناگون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... آغاز کرده است که یکی از نتایج آن به بار نشستن دانش مستقلی به نام سبک زندگی است (فعالی ۱۳۹۷، ۱۹۱). سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی و انواع رویکردهای آن اختلافات مبنایی، روشی و هدفی دارد. سبک زندگی غربی بر اصالت انسان و زندگی دنیوی متکی است؛ از این‌رو، به ترسیم و توصیف زندگی دنیوی مطابق با ارزش‌های خود روى آورده است و در پژوهش‌های این حوزه، از روش‌های کمی با رویکرد اثبات‌گرا یا کیفی با رویکرد توصیف‌گرا بهره می‌برد. در حالی‌که، سبک زندگی اسلامی در خداباوری و جاودانگی ریشه دارد و به دنبال معرفی راه‌های دستیابی به سعادت همیشگی است. به دلیل همین اختلافات است که نسبت سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی در بسیاری از الگوهای رفتاری، تباین و گاه تضاد است. وجود انکارناپذیر اختلافات مبنایی، روشی و هدفی، بیانگر لزوم تفاوت روش در مطالعات این دو سبک نیز هست؛ زیرا اساساً پژوهش‌ها در این دو سبک با اهدافی متباین و گاه متضاد صورت می‌پذیرند و این هدف اصلی پژوهش است که بیان‌کننده نوع روش تحقیقی است که پژوهشگرمی‌تواند براساس آن، به شکل مطلوب‌تری به پاسخ پرسش‌های خود دست یابد (کرسول ۲۰۱۲، ۲۰۱۲). با این توضیح آشکار می‌شود که تکیه بر روش‌هایی، که در پارادایمی متفاوت و با هدفی متفاوت خلق شده‌اند، پاسخگوی مطالعات سبک زندگی اسلامی نیست. هرچند این روش‌ها، به عنوان دستاوردهای بشری، در خور توجه‌اند و تأنجاکه در مسیر هدف مطالعات سبک زندگی اسلامی سودمند باشند، بالرغم و کاربردی در نظر گرفته می‌شوند. از این‌رو، با بومی‌سازی این روش‌ها می‌توان بدون هیچ منعی، در مطالعات اسلامی از ویژگی‌های مثبت آنها در کنار روش‌های ضابطه‌مند سنتی همچون اصول فقه، روش‌های تفسیری، روش‌های کلامی، علم رجال و درایه، بهره برد.

افزایش چشمگیرگرایش به پژوهش‌های سبک زندگی اسلامی در دو دهه گذشته و پس از مطالبه مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱ و ثبت بیش از سیصد کتاب در کتابخانه ملی، که اصطلاح «سبک زندگی» در عنوان آنها آمده است، تنها طی سه سال، بیانگر رغبت جامعه نسبت به این مطالعات است. هرچند برخی معتقدند این گروه از مطالعات، به ویژه کتاب‌ها، جزاندکی، در هدف خود (معرفی سبک زندگی مطلوب اسلامی) چندان موفق نبوده‌اند؛ زیرا مسئله محور پیش نرفته و ناظر به زندگی عینی نبوده‌اند (کاویانی و دیگران ۱۳۹۸، ۳۲)؛ که این خود گویای خلا روشی در بنانهادن مطالعات صورت پذیرفته بروضه موجود جامعه است. برخی از پژوهش‌های انجام‌شده بر روش‌های سنتی متعارف در علوم دینی، که اغلب با شیوه قیاسی کل به جزء صورت می‌پذیرد، مبتنی‌اند. این روش‌ها برای استفاده در پژوهش‌های سبک زندگی

ناکافی‌اند؛ زیرا داده‌های خود را تنها از دل متن‌های دینی استخراج می‌کنند؛ این در حالی است که بسیاری از جنبه‌های موجود در سبک زندگی و پدیده‌های اجتماعی روز در دین سابقه‌ای ندارند و گاه محصول ابزارهای عصر جدید هستند. ضمن اینکه سبک زندگی دراصل، دانشی چندوجهی است (فعالی ۱۳۹۷، ۱۹۶) و تکیه کردن به داده‌های دینی پژوهشگر را از مراجعه به میدان پژوهش و جست‌وجود در علوم دیگری نیاز نمی‌کند. ازین‌رو، ازجمله راه‌های بروز رفت از این مشکل پژوهشی، معرفی روش‌های کارآمدی است که بتوانند به طور ضابطه‌مند مسائل سبک زندگی موجود پدیده‌های امروزی را به دست دهنند و براساس مدل سبک زندگی موجود این پدیده‌ها، الگویی اسلامی از آن را رائه دهند. امید است مقالهٔ پیش‌رو، با وجود نقص‌هایی که دارد، گامی کوچک در این مسیر بردارد.

۱) مرواری بر پژوهش‌های پیشین

برخی اندیشمندان حوزهٔ سبک زندگی اسلامی در آثار خود، به اهمیت مسئلهٔ محوری و ضرورت توجه به سبک زندگی موجود به منظور استخراج سبک زندگی مطلوب، تأکید ورزیده‌اند، اما روشی در این زمینه ارائه نداده‌اند. ازین‌رو، در میان انبوهٔ پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزهٔ سبک زندگی اسلامی، پژوهش‌های چندانی رانمی‌یابیم که به‌طور ویژه، روشی در این مطالعات ارائه کرده باشند. در ادامه، به چهار اثر، که به‌نوعی به ارائهٔ روشی مستقل به بررسی روش‌شناسی مطالعات سبک زندگی پرداخته‌اند، اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت:

- **زارعی و همکاران (۱۳۹۸)** در مقالهٔ «ارائهٔ روشی دلالت‌پژوهانه در مطالعات سبک زندگی اسلامی مبتنی بر روابط معنایی واژگان قرآنی»، روشی ارائه می‌دهند که بتوان با استفاده از آن، براساس روابط معنایی موجود در میان واژگان قرآنی، دلالت‌هایی را برای سبک زندگی اسلامی به دست آورد. ازان‌جاکه مقالهٔ یادشده داده‌های خود را تنها در قرآن‌کریم جست‌وجومی‌کند، با روش پیشنهادی در مقالهٔ پیش‌رو به‌طور کامل، ناسازگار است.

- **محمد تقی فعالی (۱۳۹۷)** در فصل دوم از کتاب «مبانی سبک زندگی اسلامی»، به روش‌شناسی عام سبک زندگی اسلامی پرداخته است. وی معتقد است سبک زندگی دانشی چندساحتی و چندتباری است و در آن نمی‌توان از روشی واحد و منحصر‌سخن گفت. پژوهشگر در این کتاب بر ضرورت ارتباط بین سبک موجود و سبک مطلوب در تبیین وظایف راهبردی سبک‌شناسی، تأکید کرده و به صورت عام به انواع گوناگون روش‌های تحقیق برای برقراری پیوند میان این دو، اشاره کرده است.

- **محمد کاویانی و همکاران (۱۳۹۸)** نیز در کتاب «مبانی سبک زندگی اسلامی براساس آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام»، توجه به سه حیطهٔ بررسی و معلوم ساختن وضع مطلوب، توصیف

وضع موجود و شناسایی و اجرای راهکارها و فرایندهای انتقال را از ضروریات مطالعات سبک زندگی اسلامی می‌دانند. ایشان ضمن اعتقاد به ناموفق بودن بیشتر مطالعات صورت‌گرفته، مسئله محور و ناظر به زندگی عینی نبودن را دلیل اصلی بی‌فایده ماندن آنها دانسته تاجایی که از نظر ایشان این مطالعه‌ها تنها جنبه‌گردآوری اطلاعات دارند. با این همه، خود روشی را برای عینی کردن و مسئله محور بودن مطالعات یادشده ارائه نداده‌اند.

- مقاله «مدل روش‌شناختی مطالعه سبک زندگی اسلامی»، از محدود پژوهش‌هایی است که با هدف معرفی روش در مطالعات سبک زندگی اسلامی ارائه شده است. مجید کافی (۱۳۹۴) هدف مقاله خود را ارائه مدلی برای مطالعه هم‌زمان درباره سبک زندگی مطلوب اسلامی و سبک زندگی موجود بیان می‌کند. از نظر وی، پژوهشگر سبک زندگی باید نخست، برپایه داده‌های دینی درباره سبک زندگی مطلوب نظریه‌پردازی کند (ترسیم سبک زندگی مطلوب); سپس نظریه خود را به واقعیت موجود (سبک زندگی موجود) ارائه دهد تا در صورت وجود مشکل، نظریه خود را اصلاح کند. پژوهشگر در این مقاله، راهکاری عملی برای ارتباط بین این دو سبک ارائه نداده است. در هر حال، تفاوت اصلی روش وی با روش پیشنهادی مقاله پیش‌رو، در تقدم و تأخیرتباری در مراجعه محقق به منابع دینی و جامعه است.

۲) روش پژوهش

روش پیشنهادشده در مقاله پیش‌رو، برگرفته از فصل روش‌شناختی رساله دکتری نگارنده سوم با عنوان «سبک زندگی زن شاغل در متون اسلامی» است که در نخستین گام از پژوهش خود با خلاصه روشنی در مطالعات سبک زندگی اسلامی پدیده محور مواجه شد؛ از این‌رو، به ترکیب روش‌های سنتی و نوین روی آورد. براساس روش پیشنهادی، پژوهشگر نخست، با استفاده از راهبرد «نظریه‌سازی داده‌بنیاد» پژوهش را از میدان واقعی آغاز و پس از ترسیم الگوی سبک زندگی موجود، با رویکرد استقرایی و اکتشافی، آن را به ساحت دین عرضه می‌کند؛ سپس، با بهره‌گیری از رویکرد پرسشگرانه و به کارگیری انواع روش‌های سنتی مطالعات اسلامی، وضع مطلوب را استخراج و معرفی می‌کند. مهم‌ترین برتری این روش نسبت به دیگر روش‌های معرفی شده، برخورداری هم‌زمان از داده‌های میدانی و داده‌های استنادی اسلامی و ایجاد ارتباط بین «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» است. این روش به لحاظ جهت‌گیری مراحل با روش «کشف نظریه‌های بنیادین» در تفسیر موضوعی واقع‌گرای شهید صدر از قرآن کریم شباهت دارد.

رویکرد شهید صدر در روش خود مبتنی بر دو اصل کلی برگرفتهن موضع تفسیر از زندگی واقعی و سپس ارجاع آن به متن قرآن است تا از دل آن، نظریه قرآنی خود را به دست آورد (صدر ۱۳۹۰، ۳۳-۳۶). روش نظریه‌پردازی قرآنی شهید صدر روشی ترکیبی و چندوجهی است. همچنین،

رویکرد روش او در استخراج نظریه از آیات گردآوری شده، اکتشافی و پرسشگرانه است؛ به این معنا که مفسرپس از ارائه موضوع به قرآن و مطالعه تجربه‌های بشری درباره آن موضوع، با کوله باری از دانش‌ها و مسائل بشری به سراغ قرآن می‌رود و از قرآن درباره آن موضوع پرسش می‌کند. حاصل گفت‌وگوی فعالانه اوباقرآن، اکتشاف دیدگاه قرآن درباره موضوع است (سعیدی روشن و همکاران ۱۳۹۸). به دلیل همین تشابه رویکردی است که مانیزnam «الگوپردازی بنیادین» را برای روش پیشنهادی خود برگزیدیم.

(۳) مفهوم‌شناسی

هر پژوهش دارای مفاهیمی بنیادی است که براساس آنها پایه‌ریزی می‌شود، از این‌رو، لازم است نخست، این مفاهیم تشریح و تبیین شوند:

یک) سبک زندگی اسلامی

تعاریف گوناگونی از سبک زندگی اسلامی ارائه شده است، این تعریف‌ها بیشتر به سطوح کلان سبک زندگی اسلامی اشاره دارند. برخی از آنها به صورت کلی، سبک زندگی اسلامی را مجموعه‌ای از موضوعات مورد پذیرش اسلام در عرصه زندگی دانسته‌اند و براساس آن، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر اسلام و رهنمودهای قرآنی باشد (مصطفی‌یزدی ۱۳۹۲). این تعریف که به صورت کلی، از ضرورت همسانی زندگی فردی و اجتماعی با آموزه‌های اسلام سخن می‌گوید، جامع نیست و چیستی سبک زندگی اسلامی را معین نمی‌کند. برخی دیگر سبک زندگی اسلامی را به الگوهای ارتباطی محدود دانسته‌اند:

مجموعه‌های آداب و رفتارهایی که قرآن کریم درباره تمام ساحت‌های مادی و معنوی زندگی انسانی برای ایجاد ارتباط با خود، خدا، خانواده، جامعه، محیط زیست و عالم عالیه در تمامی حوزه‌های حیاتی همچون دینی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و آموزشی قرار می‌دهد (گرجیان و آذریان ۱۳۹۸، ۲۴).

در حالی که، سبک زندگی اسلامی، از آن نظر که «سبک» است، به رفتار می‌پردازد (کاویانی ۱۳۹۲، ۱۸).

مؤلف کتاب «مبانی سبک زندگی اسلامی» براساس نگاه اندیشمندان جهان نسبت به سبک زندگی و نیز با توجه به منابع و متون اسد می، تعریفی دیگر از سبک زندگی اسلامی ارائه داده است. وی سبک زندگی اسلامی را مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری به نسبت پایدار، برای دستیابی به هدف می‌داند که از بینش‌های دینی و ارزش‌های الهی متأثر است و به صورت عینی و در متن زندگی تجلی می‌یابد (فعالی ۱۳۹۷، ۱۳۲). این تعریف تعریفی به نسبت جامع است؛ از آن‌رو که:

- سبک زندگی اسلامی را ناظر به رفتارها می‌داند و آن را به صورت مجموعه در نظر می‌گیرد و به جامعیت و سیستماتیک بودن رفتارها در اسلام توجه دارد؛
- قید به نسبت پایدار را در تعریف آورده و رفتارهای موردی را از تعریف خارج می‌کند؛
- با ذکر هدف، مقصود رفتارها را نیز در تعریف داخل کرده است؛
- به نقش زیربنایی بینش‌ها و ارزش‌ها در شکل‌گیری رفتارها توجه دارد؛
- عینی بودن رفتارها در متن زندگی را شاخصه‌ای دیگر دانسته و در تعریف وارد کرده است.

اگرچه به نظر می‌رسد که اطلاق هدف در این تعریف، برخلاف مانعیت آن است، زیرا اهداف گوناگون را در تعریف وارد می‌کند. اگر بتوان با افرودن قیدهایی نوع رفتار از منظراختیار و نیت راهم در تعریف قرار داد، رفتارهایی که جنبه اجبار و اکراه و نمایش دارند از دایرۀ آن خارج می‌شود. همچنین، در صورتی که، بتوان غایت سبک زندگی اسلامی، که بیانگر جهت و مقصد نهایی این سبک از زندگی است، را نیز در تعریف وارد کرد، تعریفی جامع و مانع در دست خواهد بود. براین اساس، مؤلفان پژوهش پیش‌رو تعریف خود را از سبک زندگی اسلامی به این صورت ارائه کرده‌اند: «سبک زندگی اسلامی مجموعه الگوهای رفتاری برآمده از بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی (اعمال صالح) است، که فرد عادمنه و مختارانه و صادقانه (ایمان) و به صورت مستمر متناسب با شرایط خویش (وسع)، رفتارهای خود را در چهارچوب آن الگوها برمی‌گزیند و براساس وعده‌الهی، در نتیجه عمل به این الگوها از حیات طیبه بهره‌مند می‌شود».

دو) روش تحقیق داده‌بنیاد

از آنجاکه روش پیشنهادی در ترسیم سبک زندگی موجود، از روش تحقیق «نظریه‌سازی داده‌بنیاد» بهره می‌برد، لازم است به طور خلاصه، به ذکر پیشینه و تبیین این روش پردازیم. اصطلاح «نظریه داده‌بنیاد» یکی از شکل‌های گوناگون ترجمه Grounded theory در زبان فارسی است^۱ که می‌توان به دو صورت آن را معنا کرد. نخست، به معنای فرایندی که از تحلیل داده‌ها به تولید نظریه می‌انجامد و دوم، به معنای نظریه‌ای است که از این روش به دست می‌آید.

نظریه داده‌بنیاد به عنوان روش، نوعی پژوهش در عرصه است که پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آنها بررسی می‌کند. هدف اصلی آن بررسی عمیق اعمال، رفتار، عقاید و طرز فکری افراد و گروه‌ها به همان نحوی است که در زندگی واقعی آنها روی می‌دهد (ادیب حاج باقری ۱۳۸۵، ۱۷). خاستگاه این روش جامعه‌شناسی و بستر آن در حوزه پژوهشکی است و نخستین بار

^۱. نظریه زمینه‌ای، نظریه بنیادی، تئوری داده‌بنیاد، تئوری برخاسته از داده‌ها یا تئوری بنیادی، شکل‌های دیگر از ترجمه این اصطلاح در زبان فارسی هستند.

در سال ۱۹۶۷ به وسیلهٔ دو جامعه‌شناس آمریکایی با نام‌های بارنی گلیزرا و انسلم استراوس^۱ در کتابی با عنوان «اکتشاف نظریه‌سازی داده‌بنیاد»^۲ به طور رسم رونمایی شد. آنان از سال ۱۹۶۰ پژوهش‌های خود را با همین روش بر روی بیماران در آستانهٔ مرگ آغاز کردند و دردامه، با هدف نظم دهی به پژوهش‌های کیفی و ایجاد نظریه با بهره‌گیری از داده‌های نظام مند، موفق شدند این روش را به جامعه علمی معرفی کنند. پدیدآورندگان این روش هدف خود را از معرفی آن، کشف تئوری براساس گردآوری نظام مند داده‌ها در پژوهش‌های علوم اجتماعی بیان کرده‌اند (گلاسر و استراوس ۱۹۶۷، ۱۳). هرچند که به دلیل انعطاف بسیار، دایرۀ کاربرد آن به حوزهٔ علوم اجتماعی محدود نماند و به علوم دیگر نیز گسترده شد.

در مطالعات داده‌بنیاد، پژوهش‌گر پس از تعیین موضوع، پرسش پژوهش را مشخص می‌کند؛ سپس، برای پاسخ‌گویی به این پرسش، به گردآوری داده‌ها می‌پردازد. در این راهبرد، نظریه از درون داده‌ها بر می‌آید و پژوهشگر به جای تکیه به ادبیات پژوهش یا فرضیات از پیش تعیین شده، با ورود به میدان پژوهش اجزای نظریه را می‌سازد. به عقیده گلیزرا، که بنیان‌گذار اصلی این روش است، همه چیزی می‌تواند داده باشد؛ بنابراین، داده‌های استفاده شده در این روش ممکن است کمی، کیفی، یا ترکیبی از هردو باشند (گلیزرا، ۱۹۹۸، ۸). روند جمع‌آوری داده‌ها به طور کامل، انعطاف‌پذیر است. مشاهده‌ها، مصاحبه‌ها، اسناد موجود و کتاب‌ها، روزنامه‌ها، فیلم‌ها و... از جمله منابع مطلوب برای جمع‌آوری داده‌ها هستند. کار گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهشگر اطمینان یابد که ادامه گردآوری، چیز تازه‌ای به داده‌های موجود نمی‌افزاید. بنابراین، پژوهشگر ناگزیر است گردآوری داده‌ها را تا نقطهٔ اشباع، ادامه دهد. یکی از نشانه‌های نقطهٔ اشباع روبه‌رو شدن با داده‌های تکراری است (سوسا ۲۰۰۶). به عقیده گلیزرا، در حقیقت داده‌ها ارکان اصلی نظریه داده‌بنیاد را تشکیل می‌دهند. نظریه داده‌بنیاد، خواهان ارائه مجموعه‌ای یکپارچه از فرضیه‌های مفهومی است که از داده‌ها ظاهر می‌شوند (گلیزرا، ۱۹۹۲، ۷).

از آنجاکه نمونه‌گیری در این روش تئوریک است نه آماری، در تعداد داده‌های پژوهش هیچ محدودیتی وجود ندارد. کار تحلیل داده‌ها هم‌زمان با گردآوری آنها انجام می‌گیرد، پژوهشگر داده‌ها را به صورت باز کدگذاری مفهومی می‌کند و از دل کدهای به دست آمده مفاهیم مشترک را استخراج و به مقوله‌های مشترک پیوند می‌زند. فرایند گردآوری داده‌ها به منظور تولید نظریه، به گونه‌ای است که تحلیلگر همچنان که داده‌ها را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند، تصمیم می‌گیرد که در مرحلهٔ بعد، چه داده‌ای را از کجا به دست آورد تا نظریه در حال ظهر توسعه یابد (گلاسر و استراوس ۱۹۶۷، ۴۵). کیفی بودن، استقرایی بودن، انعطاف و نامحدود بودن

1. Barney Glaser.

2. Anselm Strauss.

3. Discovery of Grounded Theory.

داده‌ها به لحاظ کمی و نوعی، امکان گردآوری همزمان و تلفیق داده‌های میدانی و اسنادی، امکان گردآوری داده‌ها با روش‌های گوناگون، قابلیت تغییر در برخی مراحل یا ترکیب با روش‌های دیگر به ذائقهٔ پژوهشگر، از ویژگی‌های مثبت این روش است. در شکل ۱، مدل فرایندی تکامل تئوری در استراتژی نظریه‌سازی داده‌بنیاد نشان داده شده است:

شکل ۱: مدل فرایند تکامل تئوری در استراتژی نظریه‌سازی داده‌بنیاد



تبیین مراحل روش پیشنهادی

به منظور تبیین روش‌شناسی مدل ارائه شده در این پژوهش، در هر مرحله با اتکابه مبنای تئوریک، چگونگی کاربست این روش را در پژوهش نمونه با عنوان «سبک زندگی اسلامی زن شاغل» به کار می‌بریم. مانند همهٔ پژوهش‌های علمی نخستین گام در پژوهش سبک زندگی اسلامی نیز، تعیین موضوع و پرسش اصلی پژوهش است. در این مرحله، پژوهشگر براساس علاقهٔ یا احساس نیاز، موضوع پژوهش خود را برمی‌گزیند و براساس آن، پرسش اصلی پژوهش را مشخص می‌کند. برای مثال، پژوهشگر در پژوهش نمونه به دنبال این پرسش است که آیا می‌توان مدلی از سبک زندگی اسلامی را برای زنانی، که در خارج از منزل با تعریف امروزی به کار مشغول‌اند، معرفی کرد که پاییندی به آن، زن مسلمان شاغل را به مقصد نهایی سبک زندگی اسلامی برساند؟ اگر پاسخ مثبت است، این مدل چه اجزایی دارد؟ فرایند پژوهش پس از این مرحله در عمل آغاز می‌شود:

(ب) گام نخست، ورود به میدان واقعی سبک زندگی موجود و گردآوری داده‌ها

در نخستین مرحله از روش پیشنهادی، پژوهشگر با ورود ضابطه‌مند به میدان واقعی سبک زندگی موجود، درپی ترسیم مدل فعلی آن است. براین اساس، نخست به جمع‌آوری داده‌ها از دل پدیده پرداخته و سپس با تحلیل و مقایسه و رفت‌وبرگشت میان داده‌ها و نتایج به دست آمده، مدل سبک زندگی موجود را ترسیم می‌کند.

الف) ماهیت داده‌ها: هر چیزی، که بتواند در قالب کدهای متنی درآمده و تبیین‌کنندهٔ بخشی از وضع موجود باشد، داده‌ای بالقوه است. پس هر داده برای استفاده در پژوهش، باید دو شرط داشته باشد، اول آنکه بیانگرزاویه‌ای از سبک زندگی منظور باشد و دوم آنکه قابلیت تبدیل شدن به متن را داشته باشد.

ب) منابع: هر منبعی که به نحوی با سبک زندگی مورد پژوهش ارتباط دارد از منابع گردآوری داده شمرده می‌شود. از جمله مشاهدات محقق، فیلم‌ها، صفحه‌های مجازی، کتاب‌ها، مقاله‌ها،

پایان نامه‌ها، گزارش‌های خبری، کنسنگران و افرادی که به نوعی با سبک زندگی منظور در ارتباط اند. برای مثال، در ترسیم سبک زندگی موجود زن شاغل، زنان شاغل، همسران و فرزندان آنان، خانواده و همکاران، مشاهدات محقق، کتاب‌ها، فیلم‌ها و... منابع گردآوری داده‌ها هستند.

ج) ابزار و روش گردآوری داده‌ها: روند جمع‌آوری داده‌ها کاملاً منعطف است. ثبت مشاهدات، مصاحبه با روش‌های گوناگون شامل مصاحبهٔ فردی، مصاحبه با گروه کانونی، مصاحبه با گروه نخبگان، تهیهٔ پرسش‌نامه، بررسی اسناد موجود و کتاب‌ها، روزنامه‌ها، فیلم‌ها، از روش‌های گردآوری داده‌ها هستند. در پژوهش نمونه، داده‌ها با توزیع پرسش‌نامهٔ محقق‌ساختهٔ نیمه‌ساختاریافته و تکمیل آن به‌وسیلهٔ ۶ زن که در مشاغل گوناگونی مشغول به کارند و توزیع پرسش‌نامهٔ محقق‌ساختهٔ نیمه‌ساختاریافته و تکمیل آن به‌وسیلهٔ ۱۷ مرد که همسران آنان شاغل هستند، مصاحبهٔ عمیق با ۱۵ زن شاغل و مصاحبهٔ عمیق با ۲ مرد که همسران آنان شاغل‌اند، مشاهدات نگارنده‌گان و نیز تجربهٔ زیستهٔ نگارنده سوم با عنوان زن شاغل مسلمان، به دست آمده است.

د) حجم نمونه‌ها: ازانجاکه نمونه‌گیری در این روش تئوریک است نه آماری، در تعداد نمونه‌های پژوهش هیچ محدودیتی وجود ندارد.

ه) جایگاه پیش‌فرض‌های محقق: اگرچه هدف نهایی پژوهشگر ارائهٔ مدل سبک زندگی اسلامی پدیدهٔ منظور است، ولی در مرحلهٔ ترسیم مدل موجود، لازم است پژوهشگر اجازه دهد داده‌ها به عنوان اجزای اصلی سبک زندگی موجود، آزادانه مدل را بسازند و از تأثیرپارادایمی بر روند شکل‌گیری آن خودداری کند. هرچند پژوهشگر مختار است به منظور توسعه و جامعیت سبک موجود هرجا احساس نیاز کرد جهت‌گیری ویژه‌ای را در روند جمع‌آوری داده‌ها پی‌گیرد (نمونه‌گیری نظری).¹ برای مثال، ازانجاکه سبک زندگی محصول باورها و ارزش‌های است، لازم است پژوهشگر در ترسیم سبک زندگی موجود، در مصاحبه‌ها یا پرسش‌نامه‌ها بخشی از توجه خود را به ساحت باورها و ارزش‌ها که مبنای شکل‌گیری رفتارهای سبکی هستند، متوجه کند.

و) کنترل داده‌ها: پژوهشگر در ترسیم سبک زندگی موجود نیازمند کنترل داده‌ها به منظور حقیقت‌سنجدی و یا ارزش‌گذاری آنها براساس چهارچوب اسلامی نیست، بلکه در این مرحله می‌کوشد تا حد ممکن داده‌های واقعی را که روایت‌کنندهٔ وضع موجود هستند، گردآوری کند. هرچه روایی سبک زندگی موجود بالاتر باشد، پایایی مدل سبک زندگی مطلوب بیشتر است.

دو) تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز و ترسیم مدل اولیه

مرحلهٔ تحلیل داده‌ها دست‌کم سه گام را دربرمی‌گیرد، در نخستین گام، عملیات تحلیل

1. theoretical sampling.

داده‌ها آغاز می‌شود، این مرحله «فرایند کدگذاری»^۱ نامیده می‌شود و از آن رو به آن کدگذاری باز می‌گویند که پژوهشگر در این مرحله، داده‌ها را باز می‌کند تا از دل آنها کدهای محتوایی را بیرون بکشد (استراوس و کرین ۱۳۹۰، ۲۷۲).

در نخستین مرحله از کدگذاری باز، ضمن تحلیل داده‌های نکات کلیدی هر داده مشخص شده و در قالب یک عبارت کوتاه یا کلمه که توصیف کننده تک‌تک عبارات یا کلمات داده منظور است درمی‌آید که به آن «کد» گفته می‌شود. براساس نظر برخی از نظریه‌سازان داده‌بنیاد، بهتر است کدگذاری با روش «تحلیل خرد»^۲ صورت پذیرد، به این صورت که داده‌ها کلمه به کلمه تحلیل شوند و معانی به دست آمده در قالب کلمه یا کلماتی به عنوان کد استخراج شوند (همان، ۱۷۲). برخی نیز به دلیل اینکه این روش زمان بسیار زیادی لازم دارد و انبوه مفاهیم ایجاد شده، پژوهش را متوقف یا از راه اصلی خارج می‌کند، روش دیگری انتخاب می‌کنند و آن این است که تنها نکات و مضامین کلیدی را کدگذاری می‌کنند. محدودیتی برای استخراج کدها وجود ندارد؛ بنابراین، ممکن است از درون یک داده بتوان کدهای متعددی را استخراج کرد. در جدول شماره ۱ و ۲، بخشی از داده‌های متن مصاحبه (آ) و (آ۲) را در پژوهش نمونه کدگذاری کرده‌ایم، جدول ۱ بخشی از کدهای مصاحبه با خانمی شاغل در اداره دولتی و جدول ۲ نیز بخشی از کدهای حاصله از مصاحبه با همسریک زن شاغل است.

جدول ۱) جدول کدگذاری باز مصاحبه (آ)

کدها	داده‌ها
اشتغال پس از ازدواج	من بعد از ازدواج شاغل شدم، چند سال طول کشید تا همسرم شغل مرا به رسمیت بشناسد، اوایل سرمه مسئله کوچکی قضیه اشتغال مرا به گروگان می‌گرفت و می‌گفت راضی نیستم فردا سرکار بروی، راضی نیستم اصلاً به کارت ادامه بدهی.
نارضایتی همسر	
گروگان‌گیری	
ارتباط با همکاران مرد	زمانی که مجبور باشم مسئله شغلی را در خانه پیگیری کنم، مثلاً تلفن را جواب بدhem به ویژه اگر از طرف همکاران مرد یا رئیسم (آقا) باشد، همسرم چیزی نمی‌گوید اما از نگاه‌هایش حساسیت و احساس ناخوشایندش را درک می‌کنم.
ناخوشایندی همسر از ارتباط کاری با همکار مرد	
پسمند ذهنی شغل	وقتی به خانه می‌رسم خسته هستم از سوی دیگر ذهن من هنوز درگیر مسائل مرتبط با شغلم هست، دلم می‌خواهد تا چند ساعت با کسی صحبت نکنم، صدای ارباب رجوع هنوز در ذهنم هست.

1. coding process.

2. Micro-analysis.

داده‌ها	کدها
تازه بعد از رسیدن به خانه باید به فکر درست کردن غذا باشم. یکی از مشکلات دیگر همین است، همسرم دوست دارد همیشه غذای گرم خانگی داشته باشیم، فکر می‌کنم مرادرک نمی‌کند. وقتی به خانه برمی‌گردم، فکر اینکه چه غذایی درست کنم خودش بیشتر از حمت غذا پختن آزاده‌نده است؛ تازه گاهی بعد از آنکه تصمیم می‌گیرم چه چیزی درست کنم متوجه می‌شوم بعضی از مواد لازم تمام شده و آن وقت دیگر کلافه می‌شوم.	انتظارات همسر
نمی‌دانم اما شاید واقعاً شغل من عامل کمتر شدن روابط با همسرم باشد، امیدم به تعطیلات آخر هفته هست که آن هم معمولاً به انجام کارهای عقب افتاده خانه یا مهمانی می‌گذرد.	بی برنامگی
در محل کار، من با دو خانم و یک آقا هم اتاق هستیم، گاهی در برابر مسائل غیرکاری صحبت می‌کنیم و گاهی شوخی و خنده پیش می‌آید.	انزجار از کارمنزل
نوع شغل من پشت یزنشینی است و تحرک بالایی ندارد، دردهای ستون فقرات و اضافه وزن از جمله مشکلاتی است که فکر می‌کنم به دلیل نوع شغلم به وجود آمده است.	ساعات مشترک با همسر برنامه‌ریزی تعطیلات مهمنای زمان رسیدگی به کارهای عقب افتاده
با کار کردن همسرم مشکلی ندارم، فکر می‌کنم اشتغال به کار برای او سرگرمی خوبی است، سعی می‌کنم در کارهای منزل با او همکاری کنم چون می‌دانم او هم مثل من بخشی از انرژی اش را در بیرون از منزل صرف کرده است.	شوخی با همکار مرد کم تحرکی اضافه وزن مشکلات جسمی ناشی از شغل

جدول ۲) جدول کدگذاری باز مصاحبه (۱۲آ)

داده‌ها	کدها
با کار کردن همسرم مشکلی ندارم، فکر می‌کنم اشتغال به کار برای او سرگرمی خوبی است، سعی می‌کنم در کارهای منزل با او همکاری کنم چون می‌دانم او هم مثل من بخشی از انرژی اش را در بیرون از منزل صرف کرده است.	پذیرش اشتغال همسر
خوب البته درآمد همسرم در تأمین مخارج زندگی مؤثربوده است؛ اما خود اشتغال ایشان هم هزینه‌های دیگری تحمیل کرده؛ برای مثال، هزینه‌ای که برای مهدکودک بچه‌ها صرف می‌کنیم یا هزینه رفت و آمدش، یا هزینه‌ای که به خدمتکار هفتگی خانه می‌دهیم و...	سرگرم‌کننده دانستن شغل همسر همکاری مرد در کارهای منزل درک کردن همسر شاغل مشارکت اقتصادی
همسر من آمورگار است و من فکر می‌کنم ارتباط با کودکان در روحیه او اثرگذار بوده است. هنوز نشاط کودکی دارد و البته فکر می‌کنم امروزه‌های او در محیط منزل ناشی از روحیه آموزگاری است.	هزینه‌های اشتغال زنان اثرپذیری خلقی مثبت و منفی از ویژگی‌های شغل گرفتن روحیه آمرانه

در گام دوم، کدهای حاصله تحلیل و مقایسه شده و هر دسته از کدها که اشعار به موضوعی مشترک ربط دارند گروه بندی شده و عنوان یک «مفهوم» می‌گیرند. مفهوم، در حقیقت داده برچسب خورده است. هر مفهوم ممکن است تنها از یک داده یا تعداد زیادی از داده‌ها ایجاد شود. در این گام، «پیشامدها، وقایع و اتفاقات، به عنوان نشانه‌های بالقوه پدیده در نظر گرفته شده و بدین سان برچسب مفهومی دریافت می‌کنند» (استراوس و کربین ۱۳۹۰، ۷۲).

گام سوم ساخت مقوله‌ها یا مؤلفه‌های است. هنگام بررسی مفاهیم مشخص می‌شود در بین هر چند مفهوم یک مفهوم انتزاعی تروعم است، یا اینکه چند مفهوم در یک بعد کلان‌تر با هم شریک‌اند. پژوهشگر در این مرحله، همان بُعد را به عنوان مقوله در سطحی بالاتر در نظر می‌گیرد. در تعداد طبقه‌های مدل محدودیتی وجود ندارد، می‌توان سطحی بالاتر با عنوان مؤلفه‌ها یا ابعاد در نظر گرفت. مفاهیم می‌توانند به اصلی و فرعی تبدیل شوند، مقوله‌ها می‌توانند خاص، اخص یا عام باشند (همان، ۲۸۴). جدول شماره ۳ ترکیبی از گام‌های دوم و سوم را در پژوهش نمونه نشان می‌دهد، در این مرحله، از مقایسه ۵۸ کد استخراج شده از داده‌ها، که به نوعی به ارتباط زن شاغل با همسر خود مرتبط بودند، به ۱۶ مفهوم رسیدیم و از مقایسه مفاهیم، ۶ مقوله «رضایت زوج از استغال زوجه»، «حدود مسئولیت و اختیارات»، «مسئائل اقتصادی»، «پیماندهای شغلی»، «روابط اختصاصی» و «واگرایی خانواده» در بعد «ارتباط با زوج» قرار گرفته‌اند. بعد ارتباط با زوج یکی از ۵ بعد اصلی به دست آمده در پژوهش نموده است:

جدول ۳) ترکیب گام دوم و سوم

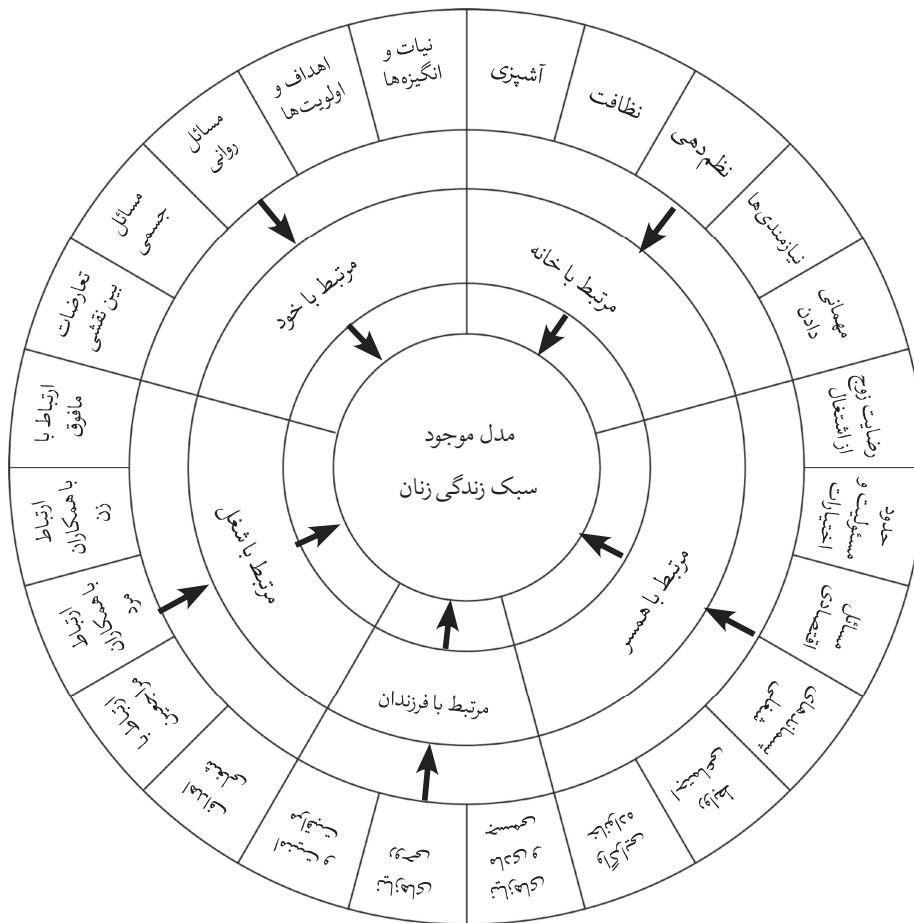
کد	مفهوم	مفهوم	بعد	
اعلام رضایت اولیه و اظهار عدم رضایت بعد از ازدواج	رضایت	اشتغال	ارتباط با زوج	
اظهار عدم رضایت اولیه و اظهار رضایت پس از ازدواج				
عدم تمایل درونی بدون اظهار نارضایتی				
گروگان پیری رضایت				
همراهی در کارها		روش‌های اظهار		
حمایت عاطفی				
عنوان کردن رضایت				
بهانه‌گیری	نارضایتی	روش‌های اظهار		
انتقاد از اشتغال زنان در گفت‌وگوها				
حمایت نکردن				
اظهار نارضایتی کلامی				

کد	مفهوم	مقوله	بعد
تصمیم‌گیری پیرامون فرزندان	اختلاف در تصمیم‌گیری	حدود مسئولیت و اختیارات	ارتباط بازوج
تصمیم‌گیری در فرآمد			
تصمیم‌گیری پیرامون مسائل اقتصادی			
تصمیم‌گیری پیرامون فرزندآوری			
اختلاف در حدود اختیارات	حدود اختیارات		مسئولیت‌ها
نامشخص بودن حدود مسئولیت زوجین			
تعدد وظایف زن شاغل			
تقبل بار مسئولیت زندگی به وسیله زن			
شانه خالی کردن مرد از مسئولیت			
انتظارات مالی مرد	انواع رویکردهای مردان	مسائل اقتصادی	مسائل اقتصادی
گرفتن اختیار مالی از زن			
وادر کردن زن به مشارکت مالی			
شانه خالی کردن زوج از مسئولیت مالی			
منت گذاری	انواع رویکردهای زنان		شغلی
مشارکت مشتقانه			
عدم مشارکت			
پس انداز مخفیانه			
عدم وابستگی مالی به شوهر			
حفظ وابستگی مالی به شوهر			
سلطه‌گری	پسماندهای خلقی	پسماندهای شغلی	پسماندهای شغلی
تفاخر			
برتری جویی			
قطوعیت افراطی			
نظم و برنامه‌ریزی	پسماند عاطفی		پسماند عاطفی
انضباط مالی			
گرفتن روحیات مردانه			
استقلال			
ذکر حوادث تلح شغلی	پسماند کاری		
ذکر نگرانی‌ها و اضطراب‌های شغلی			
تبديل خانه به بخشی از محیط کار			

بعد	مفهوم	مفهوم	کد
ارتباط با زوج	روابط اختصاصی	روابط عاطفی	نداشتن فرصت کافی برای با هم بودن
			کمیت و کیفیت تفریحات مشترک
			جدا غذاخوردن
			کمیت و کیفیت گفت و گوی دو نفره
	روابط زناشویی		سردی روابط
			بی میلی زن
			انزجار جنسی زن
			اظهار خستگی زن
			عدم تمکین
واگرایی خانواده	فردگرایی در اتخاذ اهداف و تصمیمات		تعهدات کاری و مالی
			قرارهای شغلی خارج از وقت
			ادمه تحصیل
			موفقیت‌های بیشتر
	بی اعتمادی	جریان	رفتارهای شکبرانگیز
			ارتباطات کاری با مردان دیگر در حضور همسر
			ذکر مشخصات همکاران مرد و تعریف و تمجید از آنان
			مقایسه همسر با همکاران مرد

پس از طی این سه گام واستخراج همه ابعاد، مقوله‌ها و مفاهیم از دل کدهای اولیه، نمایی کلی از سبک زندگی موجود پدیدار می‌شود. شکل ۲ مدل سبک زندگی موجود پژوهش نمونه، که بیانگر ابعاد ۵ گانه و مقوله‌های ذیل هریک از آنهاست، را نشان می‌دهد:

شکل ۲) مدل سبک زندگی موجود در پژوهش نمونه

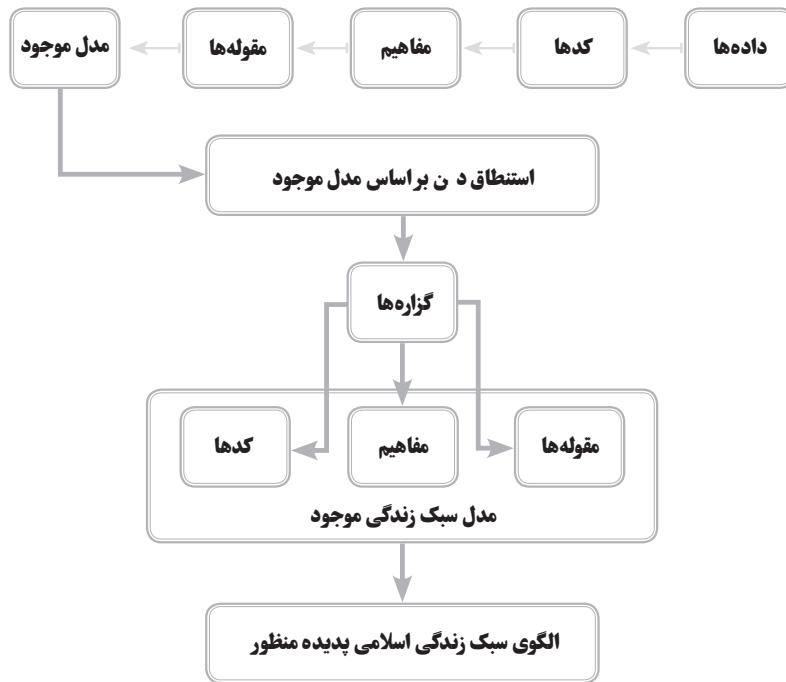


سه) عرضه مدل موجود به دین اسلام و استخراج الگوی سبک زندگی اسلامی پدیده منظور

پ از آنکه مدلی جامع از سبک زندگی موجود به دست آمد کار اصلی پژوهشگر سبک زندگی اسلامی آغاز می‌شود و نوبت به دمیدن روح سبک زندگی اسلامی در قالب سبک زندگی موجود می‌رسد. اکنون، پژوهشگر می‌تواند سبک زندگی واقعی را به دین عرضه کند و با رویکردی پرسشگرانه و اکتشافی داده‌های دینی را در قالب گزاره‌های سبک زندگی استخراج کند و در همه سطوح سبک زندگی موجود بدمد. روش کار در این مرحله بخلاف مرحله گذشته است. در آن مرحله، داده‌ها به روش استقرایی از جزء به ل جمع شد و درنهایت، مدل سبک زندگی موجود استخراج شد. در این مرحله، پژوهشگر از بالاترین سطح شروع می‌کند تا مقوله‌ها و سپس مفاهیم و حتی داده‌های خود را در آنچه هست، با آنچه باید باشد، تطبیق دهد. لازمه این حرکت بازگشتی این است که پژوهشگر براساس مدل موجود، مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی را استخراج کند و

مضامین مرتبط با آن را در منابع اسلامی بیابد. در این بخش، پژوهشگر با انواع روش‌های مرسوم در مطالعات دینی، در دل روش پایه، به اخذ گزاره‌های سبکی دینی اقدام می‌کند. هریک از ابعاد، مؤلفه‌ها، مقوله‌ها و حتی کدها بر حسب نیاز، کلیدوازه‌هایی هستند که پژوهشگر براساس آن، در منابع جست‌وجو کرده و به پرسش از دین می‌پردازد تا بتواند راهکار و رویکرد مناسب را از دین استخراج کند. هرگاه مقوله‌ای را براساس سبک زندگی اسلامی سامان داد، به سراغ مقوله دیگر می‌رود. اگرچه گزاره‌ها در این مرحله از منابع گوناگون جمع‌آوری می‌شوند، ولی انتخاب گزاره‌ها کاملاً گزینشی و درون پارادایمی است. شکل ۳ مسیر تکامل مدل سبک زندگی مطلوب (اس می) را نشان می‌دهد:

شکل ۳) مسیر شکل‌گیری مدل سبک زندگی مطلوب



الف) ماهیت داده‌ها: در این مرحله، هر گزاره‌ای که قابلیت پذیرش وصف دینی داشته و گزاره سبکی باشد، داده شمرده گردیده و در صورت عبور از صافی کنترل، قابل بهره‌گیری است. از آنجاکه سبک زندگی ناظر به رفتارهای است، گزاره‌های دینی کاربردی در این مدل اغلب گزاره‌های «انشایی»^۱ یا توصیه‌ای هستند؛ هرچند می‌توان از گزاره‌های «خبراری»^۲ یا وصفی دینی نیز در موارد بسیاری بهره‌برداری کرد. برای مثال، در پژوهش نمونه، گزاره «فان المراة ریحانه لیست بقهرمانه»^۳

1. Normative.

2. Descriptive.

3. زن گل است و نه کاربرد از.

(تمیمی آمدی ۱۳۶۶، ۷۵۹) از جمله گزاره‌های توصیفی است که می‌توان از دل آن، رفتارهای سبکی مرتبط با مفهوم «وسع شناسی» از زیرمقوله «خودآگاهی» و در ذیل مقوله «مدیریت خود» خارج کرد. بخشی از داده‌ها برگرفته از قرآن و سنت است، بخشی از علم فقه، حقوق، اخلاق، بخشی از تاریخ و زندگی نامه بزرگان و بخشی دیگر از قطعیات تجربی بشر در دیگر علوم اخذ می‌شود. گزاره‌های تجربی بشری اگرچه جزئی از متون دینی نیستند، ولی ازان رو که به تفسیر طبیعت می‌پردازند، که فعل خداوند متعال است، چنانچه با واقعیت مطابق باشند، مورد تأیید دین هستند^۱ (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۱۴۳-۱۴۴) و می‌توان از آنها در توسعه و تکمیل مدل سبک زندگی اسلامی منظور بهره‌مند شد.

ب) منابع: از هر منبعی که مشتمل بر گزاره‌های سبکی مراد یا مورد تأیید دین اسلام باشد، اعم از قرآن کریم، جوامع روایی، ادعیه، منابع فقهی، منابع اخلاقی- تربیتی، منابع عرفانی و نیز علوم و معارف بشری اعم از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پژوهشکی و... می‌توان بهره‌گرفت.

ج) روش گردآوری داده‌ها: شیوه اصلی گردآوری داده‌ها در این مرحله جست‌وجوی اسنادی با روش کتابخانه‌ای در منابع است. هرچند می‌توان به فراخور مفهوم مورد جست‌وجو، از روش‌های شبه مصاحبه درون پارادایمی مانند استفتاوایا گفت و گو با خبرگان نیز بهره‌مند شد؛ بنابراین، به فراخور نیاز، محدودیتی برای روش گردآوری داده‌ها وجود ندارد. برای جست‌وجو در منابع و متون اسلامی، در میان مفسران و فقهاء، دور روش رایج است، روش لغت‌کاوی و روش معناکاوی. روش نخست آن است که آیات و روایاتی، که در متن آنها به لغت موردنظر یا مشتقات آن، اشاره شده است، استخراج و از آنها استفاده شود. در این صورت کدها، مقوله‌ها و مفاهیم خود کلیدوازه‌های اصلی جست‌وجو در منابع هستند. در روش دوم، پژوهشگر خود را به لغت و کلمه خاصی محدود نمی‌کند، بلکه محتوای سند، برای وی برتری دارد. هرچند ممکن است در متن سند هیچ اشاره‌ای، به واژه موردنظر پژوهشگر نشده باشد، پژوهشگر از قرائن و شواهد دیگر در می‌یابد که محتوا بر مفهوم موردنظری، اشاره دارد (مهرابی ۱۳۹۰). روش دوم اگرچه به خبرگی بالانیاز دارد، ولی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی از هرنظر مناسب تر است. برای مثال، در پژوهش نمونه در مقوله «مدیریت زمان» خود کلمه «زمان» کلیدوازه است که می‌توان براساس آن به لغت‌کاوی در منابع پرداخت؛ با این حال، گزاره «بهره‌برداری از زمان طلایی بین الطلوعین»، که در دین اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است، در این روش جست‌وجو، یافت نمی‌شود و نیازمند خبرگی پژوهشگر است. همین رویکرد در دیگر منابع نیز وجود دارد. پس بر پژوهشگر لازم است به جست‌وجو براساس کلیدوازه‌های استخراج شده از مدل سبک زندگی موجود بسته نکند و از هر راه ممکن به استخراج گزاره‌هایی بپردازد که مدل سبک زندگی مطلوب را توسعه و تعمیق می‌دهند.

۱. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است هر علمی که منطبق بر واقع باشد، دینی نیز خواهد بود و قید اسلامی یا دینی برای علم، قید توضیحی است نه اخترازی. به گفته ایشان: «علم اگر علم باشد، نه وهم و خیال و فرضیه محض، هرگز غیراسلامی نمی‌شود. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن بر می‌دارد، به ناچار اسلامی و دینی است...» (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۱۴۳-۱۴۴).

۵) جایگاه پیشفرضهای محقق: برخلاف مرحله ترسیم مدل موجود، تمام اجزای روش پیشنهادی در این مرحله به طور کامل، درونپارادایمی و متاثراز مبانی اندیشه اسلامی است، البته در این مرحله نیز همچنان بر پژوهشگر لازم است از تحمیل پیشفرضهای شخصی خود بر اندیشه دینی در همه ابعاد پرهیزد.

ه) کنترل داده‌ها: اگرچه در مرحله ترسیم مدل موجود، به کنترل داده‌ها و اعتبارسنجی آنان و یا ارزشگذاری پارادایمی داده‌ها نیازی نبود، در این مرحله، کنترل داده‌ها اهمیت بالایی دارد و نیازمند تدقیق مجتهدانه پژوهشگر است. ازانجاكه گزاره‌های سبک زندگی اغلب از سنبخ معارف شناختاری نیستند، به اعتبار دلالت مطابقی، صدق و کذب بردار نیستند بلکه به اعتبار منبع و منشأ صدور و نیز هدف و غایت، قابل کنترل و تصدیق و تکذیب هستند، هرچند مطابقت با واقعیت نیز قیدی اساسی است که در تصدیق و تکذیب اعتبار صدوری این گزاره‌ها مؤثر است. از سوی دیگر، اعتبار گزاره‌هایی که از منابع دینی استخراج می‌شوند، به معنی استناد گزاره‌ها نیست؛ زیرا بهره‌گیری از گزاره‌های روایی به ظاهر غیرمستند (که دارای استناد ضعیفی هستند)، بنا به رویکرد تصحیح حدیث^۱، در صورت برخورداری از مضامین اخلاقی غنی و سودمند بدون اشکال به نظرمی‌رسد؛ به این دلیل که این گزاره‌ها بخش عظیمی از متنون اسلامی را دربرمی‌گیرند و نقش مؤثری در غنایخشی به سبک زندگی دارند. نکته دیگر اینکه داده‌هایی قابلیت بهره‌گیری در مطالعه‌های سبک زندگی اسلامی را دارند که با سبک زندگی مطلوب هم راستا باشند. برای مثال، در سبک زندگی زن شاغل، گزاره‌های سبکی «زن مخدّره» کاربردی نیست و پژوهشگر باید به دنبال گزاره‌های مناسب سبک زندگی «زن بزره» باشد. دیگر داده‌ها که از علوم بشری نشئت می‌گیرند از دو منظر مفید و کارآمد بودن و اعتباریابی در ترازوی پارادایم دینی کنترل می‌شوند و در صورت دارا بودن هردو شرط، گزاره در نظر گرفته می‌شوند. برای نمونه، «ماتریس آیزنهاور»^۲ گزاره مفید و کاربردی بشری در مقوله «مدیریت زمان» است که طی بررسی در ترازوی پارادایم اسلامی منعی در استفاده از آن نیست و می‌تواند گزاره سبک زندگی اسلامی باشد و قابلیت طرح در مدل سبک زندگی مطلوب را دارد. براین اساس، دین ملاک و داور نهایی گزاره‌های تجربی خواهد بود و گزاره‌های علم تجربی، که براساس تفکر اولمانیستی ایجاد شده‌اند، از این صافی عبور نمی‌کنند و وارد حوزه سبک زندگی اسلامی نمی‌شوند.

۱. رویکرد تصحیح به معنای صحیح شمردن مضمون روایاتی است که سند کامل و مطمئنی ندارند... گاه احادیث، سند معتبری ندارند، ولی مضمون مقبول و محتوایی همخوان با دیگر روایات دارند و قرینه‌های دیگری نیز آنها را همراهی می‌کند. ما می‌توانیم مضمون این احادیث را معتبر بشماریم. گفتنی است که این به معنای یقین به صدور این‌گونه احادیث و حدیث دانستن هر متن بدون سند یا با سند جعلی نیست؛ بلکه به معنای عمل به مضمون روایاتی است که در کتاب‌های مقبول عالمان نقل شده‌اند، ولی از سند صحیح، به اصلاح متأخران، بی‌بهره‌اند. شیخ طوسی، شیخ طبرسی، محقق حلی و... از جمله علمای متقدمی هستند که از این رویکرد در آثار خود بهره برده‌اند.

2. Eisenhower matrix.

و حجم نمونه‌گیری: از آنجاکه ترسیم مدل موجود رویکردی استقرایی داشت، نمی‌توان ادعا کرد که نمونه‌گیری در آن به صورت کامل اتفاق می‌افتد چراکه دسترسی به جامعه آماری و نمونه‌گیری کامل برای پژوهشگر غیرممکن است. با این حال، در این مرحله، باید نمونه‌گیری تام باشد و پژوهشگر برای هر مقوله، مفهوم و حتی کد در مدل سبک زندگی موجود، بازخورده، که مشتمل بر تأیید، رد، تقویت، تعیین حدود، ارائه راهکاریا... باشد، را باید و در مدل سبک زندگی مطلوب بیاورد. برای نمونه، در مفهوم اهداف شغلی سبک زندگی موجود پژوهش نمونه، زنان شاغل در پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌ها، اهداف شغلی متفاوتی را بیان کردند، که در مدل سبک زندگی موجود، در ذیل مفهوم «اهداف شغلی» و در مقوله «مرتبط با شغل» قرار گرفته‌اند. در این مرحله، پژوهشگر با عرضه تام کلیه اجزای مفهوم، به منابع دینی برای هریک از کدها بازخوردی سبکی استخراج کرده است. شکل ۴ نمایانگرایین مثال است.

شکل ۴) نمونه‌گیری در مرحله ترسیم سبک زندگی مطلوب

کدها	دستیابی به جایگاه ریاست و مدیریت	دستیابی به از طریق آن، شهرت یا افتخار و برتری اجتماعی بیشتری به دست آید	دستیابی به شغلی متناسب با روحیات و توانمندی‌های شخصی	دستیابی به شغلی که زمان کمتری نیاز دارد. (با هدف رسیدگی بیشتر به خانواده)	دستیابی به شغلی با درآمد بیشتر (در صورت نیاز مالی خانواده)	دستیابی به شغل با درآمد بیشتر (بدون نیاز مالی واقعی)	
گزاره سبکی اسلامی مستخرج	ر	ل	ج	س	م	ب	ن
مَاعُونْ مَنْ تَرَأَسْ مَلْعُونْ مَنْ هَمْ بِهَا مَلْعُونْ كُلْ مَنْ حَدَّثَ بِهَا أَنْفُسُهُ؛ ملعون است کسی که ریاست طلبی کند و کسی که به ریاست همت گمارد و کسی که در فکر آن باشد (مجلسی ۱۴۰۵، ۷۰، ۱۵۱).	۱	۲	۳				
تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ تَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا؛ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند (قصص، ۸۳).	۱	۲	۳				
قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِظْ عَلَيْم؛ [یوسف] گفت مرا برخانه‌های این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانا هستم (یوسف، ۵۵).	۱	۲	۳				
أَذْنِي مَا تَكُونُ مِنْ زَيْهَا أَنْ تَلْزِمَ قَفْرَيْتَهَا؛ تزدیک ترین حالت زن به پروردگارش این است که زن در خانه خود بماند (مجلسی ۱۴۰۵، ۴۳، ۹۱).	۱	۲	۳				
لَا حَيْرَ فِيمَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ، بِكُفْ يَهُ وَجْهُهُ وَيَقْضِي يَهُ ذَيَّهُ؛ بیچاره انسانی که دنبال مال حلال نمی‌دود که آیرویش را حفظ کند و دینش را داد کند.	۱	۲	۳				
وَضَعَتُ الْعَيْنَ فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَظْلَبُونَهُ فِي كُثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ؛ توانگری رادر قناعت نهاده‌ام، ولی مردم آن را در فراوانی مال می‌جویند، از این و نمی‌یابندش (مجلسی ۱۴۰۵، ۷۸، ۴۵۳).	۱	۲	۳	۶			

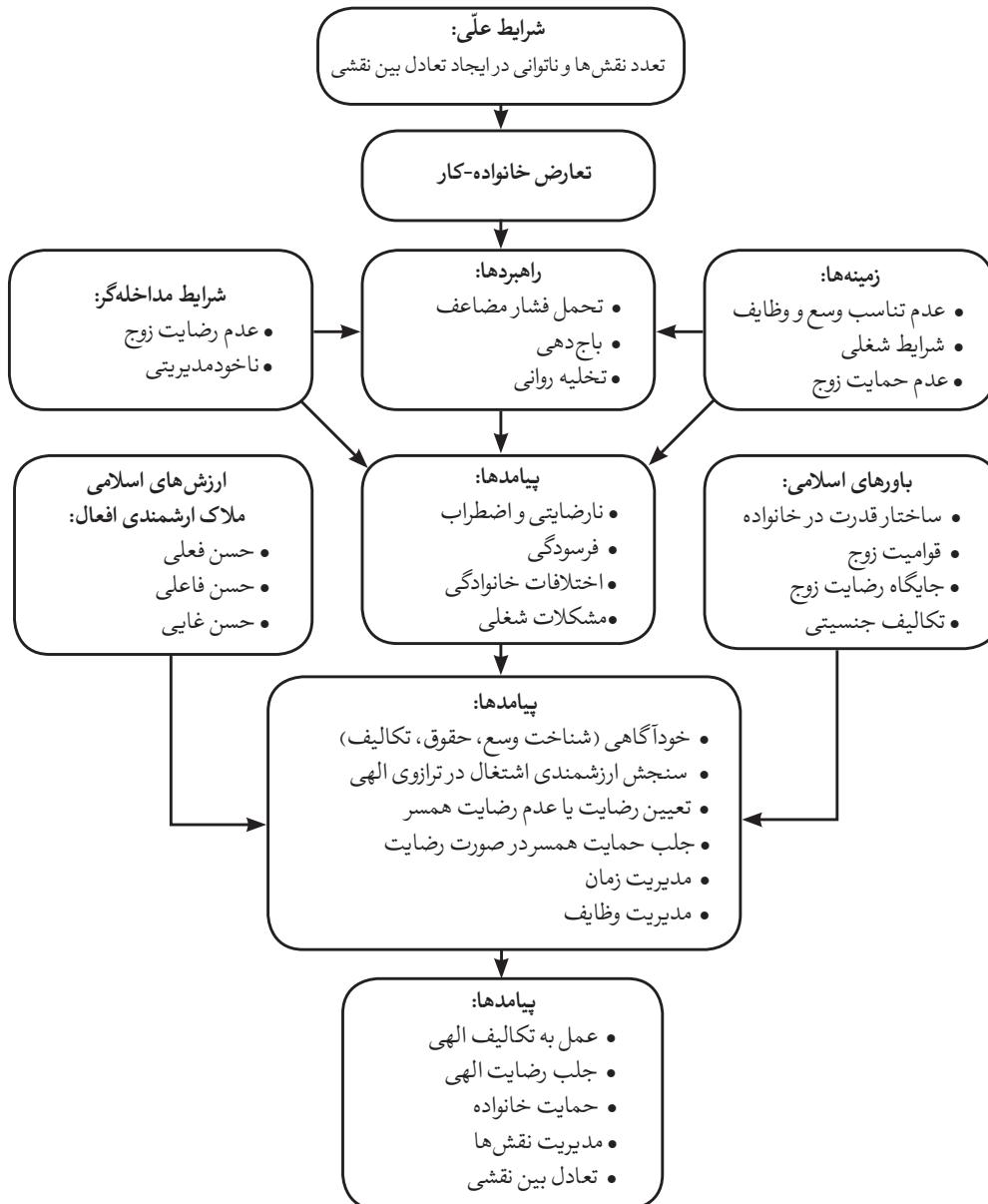
گزاره سبکی اسلامی مستخرج	ن	ج	د		کدها	
قصاء حاجۃ المؤمن حیثُمْ عَنِ الْفَرَقَةِ وَحَيْرَمْ حُمَّلَنَ الْأَلْفَ فَرِسٍ فِی سَبِیْلِ اللَّهِ روا ساختن حاجت مؤمن، از آزاد ساختن هزار بند و باکردن هزار اسب در راه خدا (فرستادن به جهاد) بهتر است.	۱	۲	۳	عرض مفهوم و اینچه آن در مدل سبک معرفه شود، بدین اسلام	دستیابی به شغلی که امکان خدمت بیشتری در آن وجود دارد.	۱۴۰۰ ۱۴۰۱ ۱۴۰۲ ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ ۱۴۰۵ ۱۴۰۶ ۱۴۰۷ ۱۴۰۸ ۱۴۰۹ ۱۴۱۰ ۱۴۱۱ ۱۴۱۲ ۱۴۱۳ ۱۴۱۴ ۱۴۱۵ ۱۴۱۶ ۱۴۱۷ ۱۴۱۸ ۱۴۱۹ ۱۴۲۰ ۱۴۲۱ ۱۴۲۲ ۱۴۲۳ ۱۴۲۴ ۱۴۲۵ ۱۴۲۶ ۱۴۲۷ ۱۴۲۸ ۱۴۲۹ ۱۴۳۰ ۱۴۳۱ ۱۴۳۲ ۱۴۳۳ ۱۴۳۴ ۱۴۳۵ ۱۴۳۶ ۱۴۳۷ ۱۴۳۸ ۱۴۳۹ ۱۴۴۰ ۱۴۴۱ ۱۴۴۲ ۱۴۴۳ ۱۴۴۴ ۱۴۴۵ ۱۴۴۶ ۱۴۴۷ ۱۴۴۸ ۱۴۴۹ ۱۴۴۱۰ ۱۴۴۱۱ ۱۴۴۱۲ ۱۴۴۱۳ ۱۴۴۱۴ ۱۴۴۱۵ ۱۴۴۱۶ ۱۴۴۱۷ ۱۴۴۱۸ ۱۴۴۱۹ ۱۴۴۲۰ ۱۴۴۲۱ ۱۴۴۲۲ ۱۴۴۲۳ ۱۴۴۲۴ ۱۴۴۲۵ ۱۴۴۲۶ ۱۴۴۲۷ ۱۴۴۲۸ ۱۴۴۲۹ ۱۴۴۳۰ ۱۴۴۳۱ ۱۴۴۳۲ ۱۴۴۳۳ ۱۴۴۳۴ ۱۴۴۳۵ ۱۴۴۳۶ ۱۴۴۳۷ ۱۴۴۳۸ ۱۴۴۳۹ ۱۴۴۳۱۰ ۱۴۴۳۱۱ ۱۴۴۳۱۲ ۱۴۴۳۱۳ ۱۴۴۳۱۴ ۱۴۴۳۱۵ ۱۴۴۳۱۶ ۱۴۴۳۱۷ ۱۴۴۳۱۸ ۱۴۴۳۱۹ ۱۴۴۳۲۰ ۱۴۴۳۲۱ ۱۴۴۳۲۲ ۱۴۴۳۲۳ ۱۴۴۳۲۴ ۱۴۴۳۲۵ ۱۴۴۳۲۶ ۱۴۴۳۲۷ ۱۴۴۳۲۸ ۱۴۴۳۲۹ ۱۴۴۳۳۰ ۱۴۴۳۳۱ ۱۴۴۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳ ۱۴۴۳۳۴ ۱۴۴۳۳۵ ۱۴۴۳۳۶ ۱۴۴۳۳۷ ۱۴۴۳۳۸ ۱۴۴۳۳۹ ۱۴۴۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۵ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۶ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۷ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۸ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱۹ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۰ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۱ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۲ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۳ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۲۴ ۱۴۴۳۳۳۳۳۳

چهار) تعمیق و توسعه الگو

به منظور تعمیق و توسعه الگوی استخراج شده، پژوهشگر می‌تواند در مرحله بعد به «کدگذاری محوری» کدهای باز اقدام کند. کدگذاری محوری یک مرحله از روش تحقیق نظریه‌سازی داده بنیاد با رویکرد استراوسی با کاربرد تعمیق و توزیع نظریه است. انجام این مرحله در روش پیشنهادی، اختیاری است و چنانچه پژوهشگر آن را در توسعه و تعمیق مدل خود کارآمد تشخیص دهد به فرایند ربط دهن مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد اقدام می‌کند. این کدگذاری از این رو «محوری» نامیده شده است که کدگذاری حول «محور» یک مقوله تحقق می‌یابد (لی ۲۰۰۱، ۴۹). طی این مرحله پژوهشگر از میان مفاهیم یا مقوله‌ها، مفهوم یا مقوله‌هایی را که موشکافی و توسعه نیاز دارد، انتخاب می‌کند و آن را محور در نظر می‌گیرد، سپس دیگر مقوله‌ها یا مفاهیم با عنوان «شرایط علی»، «شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر»، «راهبردها»، «پیامدها» و... به آن ربط می‌دهد (کرسول ۲۰۰۵، ۴۰۰). در روش پیشنهادی، پژوهشگر پس از کدگذاری محوری و شناخت ابعاد گوناگون مؤثر بر مقوله محوری و راهبردهای کنشگر و پیامدهای حاصل از راهبردها، راهکارهای سبک زندگی اسلامی را که برگرفته از باورها و ارزش‌های اسلامی هستند، ارائه می‌دهد تا در نهایت، به پیامدهای همسو با هدف زندگی در سبک زندگی اسلامی دست یابد. شکل ۶ کدگذاری محوری مقوله «تعارض خانواده - کار» را - که یکی از مقوله‌های محوری پژوهش نمونه است - نشان می‌دهد. مطابق با شکل، «تعدد نقش‌ها» و «ناتوانی یا عدم موفقیت زن شاغل در ایجاد تعادل بین نقشی» عامل به وجود آمدن تعارض نقشی از نوع خانواده - کار است. «عدم تناسب بین وسع و وظایف»، «شرایط شغلی» و نیز «عدم حمایت از طرف همسر» زمینه‌های بروز این تعارض هستند، که البته، «نارضایتی همسر از اشتغال زن» و نیز «ناتوانی زن در مدیریت شرایط»، «شرایط مداخله‌گر و تشدیدکننده وضع موجود در نظر گرفته شده‌اند، همه اینها به انتخاب راهبردهایی از سوی زن شاغل، برای رهایی از وضع موجود منجر می‌شوند. این راهبردها شامل «تحمل فشار مضاعف»، «اقدام به باج دهی» برای تخفیف اعتراضات و یا اشباع آستانه تحمل و «تخلیه روانی» با رفتارهای پرخاشگرانه و معترضانه هستند. انتخاب این راهبردها در ادامه، پیامدهایی مانند «نارضایتی و اضطراب»، «فرسودگی»، «اختلافات خانوادگی» یا ایجاد «مشکلات شغلی» را به دنبال خواهد داشت. راهکارهای سبکی اسلامی پیشنهاد شده به وسیله پژوهشگر برای بروز رفت از وضع به وجود آمده شامل «خودآگاهی» (شناخت وسع، حقوق، تکالیف)، «سنجهش ارزشمندی اشتغال خود در ترازوی الهی»، «معین کردن رضایت یا عدم رضایت همسر» و تصمیم‌گیری پیرامون ادامه اشتغال مناسب با آن، «جلب حمایت همسر در صورت رضایت»، «مدیریت زمان» و «مدیریت وظایف» هستند که برگرفته از نظام باورها و بینش‌های اسلامی می‌اند. عمل برطبق این راهکارهای سبکی اسلامی پیامدهایی

ه دنبال خواهد داشت که با سبک زندگی اسلامی همسوست، از جمله «عمل به تکلیف الهی»، «جلب رضایت الهی»، «حمایت خانواده»، «مدیریت نقش‌ها» و «ایجاد تعادل بین نقشی».

شکل ۶) کدگذاری محوری با محوریت مقوله تعارض «خانواده کار»



پنج) توصیف و تبیین الگوی ارائه شده

پس از مرتب کردن گزاره‌های سبک زندگی اسلامی و جایگذاری هریک در قالب مفاهیم و

مفهومهای مدل سبک زندگی موجود و درنهایت، ترسیم الگوی سبک زندگی اسلامی پدیده منظور، نوبت تشریح و توصیف الگومی شود؛ چه اینکه مدل نموداری «کدگذاری بصری»^۱ تنها نمایی کلی از مفاهیم و مقوله‌ها و ارتباط بین آنها را نشان می‌دهد و گویای همه جزیيات الگوی سبک زندگی اسلامی نیست. در این مرحله، پژوهشگر ضمن تفسیر و توصیف گزاره‌ها، خط سیر و ارتباط آنها با یکدیگر را شرح می‌دهد تا نمایی یکپارچه از الگوی سبک زندگی مطلوب را به نمایش بگذارد. این مرحله از روش پیشنهادی نیز مطابق مرحله «کدگذاری انتخابی»^۲ در روش نظریه‌سازی داده بنیاد است. در کدگذاری انتخابی، نظریه‌پرداز با بهره‌گیری از فنونی مانند خط داستان، چگونگی تأثیر عوامل بر مقوله محوری و اینکه چگونه این عوامل به راهبرها و پیامدهای ویژه منجر می‌شوند را تبیین می‌کند و درنهایت، نظریه یکپارچه خود را ارائه می‌دهد (کریبن و استراوس ۱۹۹۰، ۴۵۷). براین اساس، پژوهشگر در این مرحله پس از ایجاد ارتباط منطقی میان مقوله‌ها در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌ی که به بهبود و گسترش بیشتری نیاز دارند را نیز تکمیل می‌کند و درنهایت، نظریه یکپارچه خود را ارائه می‌کند. بدلیل حجم بالای نظریه ارائه شده در پژوهش نمونه، امکان جایگذاری آن در این مقاله وجود ندارد.

شش) اعتبارسنجی سبک ارائه شده

در هر صورت، الگوی سبکی استخراج شده حاصل کار بشری است و نمی‌توان با قطعیت از نسبت داشتن همه محتوای آن به دین اسلام سخن گفت؛ از این‌رو، می‌توان از اجماع نخبگانی برای پالایش و اصلاح و به تأیید رساندن آن بهره برد. اجماع به عنوان امری که در فقه شیعی سابقه و جایگاهی عمیق دارد، در روش‌های تحقیق نوین نیز جایگاهی به دست آورده است. در مرحله پایانی، می‌توان از روش دلفی به عنوان ابزاری حمایت‌کننده بهره‌مند شد. در این صورت، می‌توان به جای پرسش‌نامه، مدل استخراج شده را برای مطالعه و وجود آن ایرادات احتمالی به نظر نخبگان متخصص سبک منظور رساند. در این مرحله، باید الگوی مستخرج از چند نظر واکاوی شود:

- آیا مفاهیم به خوبی تولید شده‌اند؟

- آیا مفاهیم به صورت منظم به هم مرتبط شده‌اند؟

- آیا مقوله‌ها و مفاهیم مدل موجود، برگردان دقیقی از سبک زندگی موجودند؟

- آیا مقوله‌ها و مفاهیم الگوی مستخرج غنای دینی دارند؟

- آیا سبک ارائه شده در عمل امکان اجرا دارد؟

- آیا عمل کردن مطابق با سبک ارائه شده درنهایت، به دستیابی به هدف سبک زندگی

اسه‌ی می‌انجامد؟

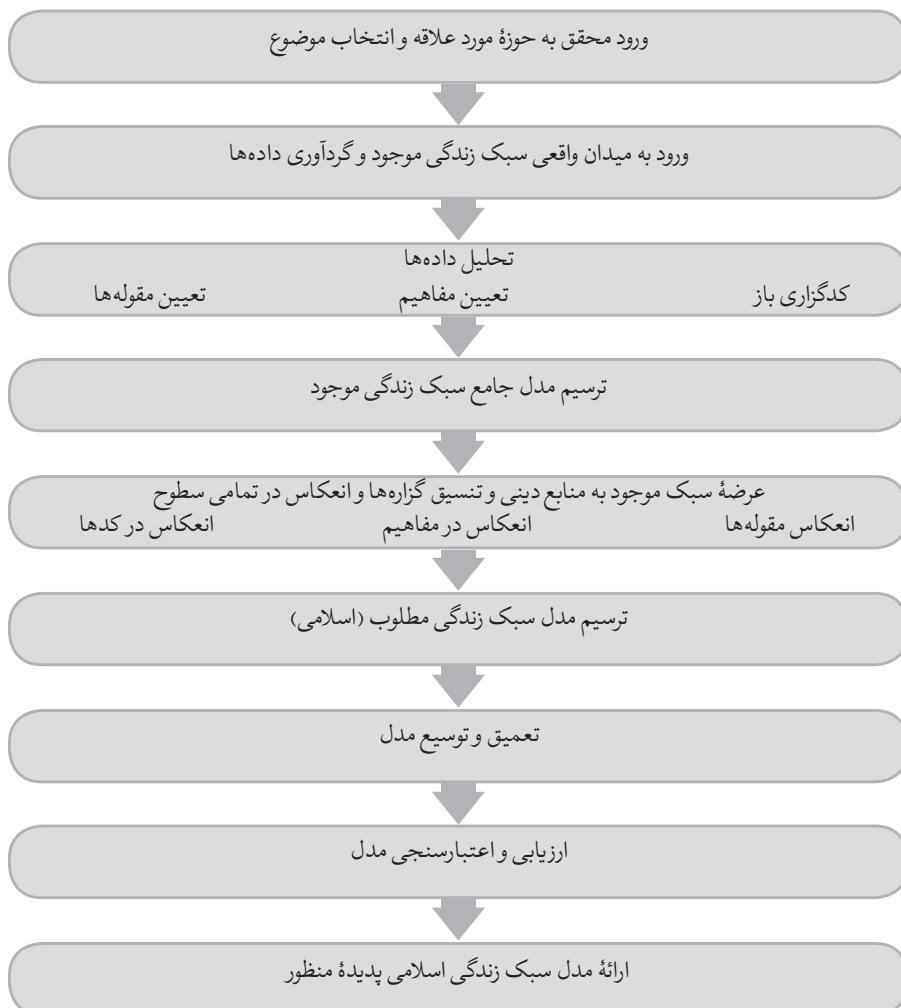
1. a visual coding paradigm.

2. Selective coding.

نتیجه

نگارندگان با ارائه این مقاله در صدد معرفی روشی برای کاربرست در مطالعات سبک زندگی اسلامی با هدف ارائه الگوهای روزآمد سبک زندگی اسلامی در قالب پدیده‌های امروزی هستند. ایشان براین باورند که روش پیشنهادی آنان، که برپایه روش تحقیق نظریه‌سازی داده‌بنیاد بنا شده و روشی ترکیبی است، توانسته است ارتباطی قوی میان سبک زندگی موجود و سبک زندگی مطلوب برقرار کند. این روش در قالب شش مرحله پایه‌گذاری شده است. جدول ۴ سیر مراحل روش تحقیق پیشنهادی را نمایش می‌دهد.

جدول ۴) مراحل روش تحقیق پیشنهادی



روش پیشنهادی این پژوهش از برتری‌های زیربرخوردار است:

- برگرفتن پرسش‌های پژوهش از عالم واقع و برقراری ارتباط قوی میان آنچه هست و آنچه باید باشد؛
- قابلیت تغییر، تکمیل و گسترش سبک ارائه شده در بستر زمان به دلیل تطابق با وضع موجود؛
- وفاداری به روش‌های سنتی مطالعات دینی که نتیجهٔ مجاهدت‌های پژوهشگران اسلامی در سده‌های پیشین است و بهره‌مندی از برتری‌های بی‌مانند آن و به کاربردن هم‌زمان روش‌های نوین به منظور بهره‌مندی از خدمات پژوهشگران معاصر در این روش‌ها و درنتیجه، بومی‌سازی آنها؛
- تفکیک سطوح الگوپردازی سبک زندگی اسلامی که خلاً آن از آسیب‌های روش‌های سنتی است؛
- تحمیل نکردن چهارچوب‌های گوناگون بر مفاهیم اس- می، که از آسیب‌های کاربرد روش‌های تحقیق نوین است. بنابراین، مبانی معرفت‌شناختی نظریهٔ داده‌بنیاد از جمله مفروضات نسبیت‌گرایانه آن در مدل پیشنهادی مؤثر نیستند؛
- هیچ پیش‌فرضی از مرحلهٔ ترسیم سبک زندگی موجود به مرحلهٔ عرضهٔ پرسشگرانه دین وارد نمی‌شود و پژوهشگر به دنبال کشف است نه حمل؛
- اگرچه پژوهشگر در این روش از تجربه‌های بشری نیز بهره می‌برد، ولی ملاک داوری نهایی گزاره‌های دین اسلام است نه علوم تجربی بشر؛
- اگرچه روایی در پژوهش‌های کمی به معنی میزان تطابق با واقعیت است، در پژوهش‌های کیفی، برخی روایی رامعياري نالازم دانسته و آنان که به آن پایین‌مانده‌اند روایی را به معنی «باورپذیری»، «قابل دفاع»، «امانت دار» بودن پژوهش دانسته‌اند (فقیهی و علیزاده ۱۳۸۴). با این فرض الگوهای سبک زندگی که با این روش طراحی می‌شوند به دلیل برخورداری از داده‌های میدانی و ناظر به واقع بودن، باورپذیر، امانت دار و قابل دفاع هستند، از این روایی بالایی دارند؛
- اگرچه الگوی سبک زندگی ارائه شده در چهارچوبی ثابت شکل گرفته، ولی از اقتضائات زمان خود نیز تأثیرپذیرفته است؛ بنابراین، به طور کامل روزآمد است. ازانجاکه بستر شکل‌گیری الگوی به دست آمده مقطع زمانی آن است، ممکن است در زمان‌های دیگر کاربردی نباشد. بنابراین، پایایی مدل ارائه شده ارتباط مستقیمی با روایی آن در هر زمان دارد.

منابع

- * به جز قرآن کریم؛
۱. ادیب حاج باقری، محسن. ۱۳۸۵. روش تحقیق گراند تئوری. راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهدادشتی. تهران: بشری
 ۲. استراوس، ای و جی کوربین. ۱۳۹۰. مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. تهران: نشرنی.
 ۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد. ۱۳۶۶. غرالحکم و دررالكلم. قم: دفترتبیلیغات اسلامی.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. تهران: انتشارات اسراء.
 ۵. زارعی محمودآبادی، طیبه، کمال خواجه پوربنادکی، و احمد زارع زردینی. ۱۳۹۴. ارائه روشی دلالت‌پژوهانه در مطالعات سبک زندگی اسلامی مبتنی بر روابط معنایی واژگان قرآنی. دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش نامه سبک زندگی اسلامی ۵(۲): ۸۳-۱۰۴.
 ۶. سعیدی روشن، محمد باقر و همکاران. ۱۳۹۸. تحلیلی بر کاربست نظریه‌ها و مفاهیم علوم اجتماعی در فرایند نظریه‌پردازی قرآنی/ دینی. فصلنامه علمی-پژوهشی روشن‌شناسی علوم انسانی ۱۰۵(۱): ۹۸-۸۱.
 ۷. صدر، سید محمد باقر. ۱۳۹۰. المدرسه القرائیه موسوعه شهید صدر. ج ۱۹. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر.
 ۸. فعالی، محمد تقی. ۱۳۹۷. مبانی س- ک زندگی اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.
 ۹. فقیهی، ابوالحسن و محسن علیزاده. ۱۳۸۴. روایی در تحقیق کیفی. مدیریت فرهنگ سازمانی (۹): ۲۰-۹.
 ۱۰. کافی، مجید. ۱۳۹۴. مدل روش‌شناختی مطالعه سبک زندگی اس- می. دو فصلنامه علمی- تخصصی پژوهش نامه سبک زندگی ۱(۱): ۱۲۱-۱۲۸.
 ۱۱. کاویانی، محمد. ۱۳۹۲. سبک زندگی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۲. کاویانی، محمد، فرج‌الله میرعرب، و محمدصادق یوسفی مقدم. ۱۳۹۸. مبانی سبک زندگی اسلامی براساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام. قم: پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.
 ۱۳. گرجیان، محمد مهدی و رضا آذریان. ۱۳۹۸. سلسله مباحث سبک زندگی اس- می. فرایند ارتباطات انسانی. تهران: انتشارات تلاوت.
 ۱۴. مصباح‌یزدی، محمد تقی. ۱۳۹۲. سبک زندگی اسلامی. ضرورت‌ها و کاستی‌ها. معرفت. (۱۸۵) «وبیه سبک زندگی».
 ۱۵. مهرابی، امیر حمزه. ۱۳۹۰. معرفی روش‌شناختی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی، ارائه یک نمونه. مدیریت فرهنگ سازمانی ۹(۲۲): ۳۵-۵.
 16. Creswell, J.W. 2005. Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research 4Ed. Boston, Pearson Education, Inc.

17. Creswell, J.W. 2012. Qualitative inquiry & research design: Choosing among five approaches 4th ed. Thousand Oaks, CA: Sage.
18. Glaser, B. 1992. Basics of grounded Theory analysis: emergence vs. forcing,Sociology Press.Mill Valley, CA.
19. Glaser, B. 1998. Doing grounded theory: Issues and discussions, Sociology Press.Mill Valley, CA.
20. Glaser, B. & Strauss, A. 1967. The discovery of grounded theory, Aldine Publishing Company.Chicago
21. Lee, J. 2001. A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.
22. Sousa.C.A.A Headriks...P.H.j. 2006. the need for grounded theory in developing a knowledge based view, organization of research methods,Vol.9,No 3,pp315-338.